

مطالب

همه مردم در پی خوشبختی اند، اما مسیر
آن کجاست؟

تا هنوز به این پرسش ها دقیقا پاسخ داده
نشده است

به چه شکل می توان به این پرسش ها
پاسخ داد؟

این دلایل عبارتند از:

دلایل الوهیت پروردگار عز و جل:



راه کجاست؟!

راه کجاست؟!

همه مردم در پی خوشبختی اند، اما مسیر آن کجاست؟



پی یافتن آنهاست و با بزرگ شدن او بزرگ می شوند، عبارتند از:
صاحب این هستی و گرداننده آن کیست؟
من کیستم؟ از کجا آمده ام؟ چرا آمده ام؟ و به کجا می روم؟
هر چه آگاهی انسان نسبت به خود و زندگی اش افزایش یابد، پافشاری
این پرسش ها در درون آدمی افزایش می یابد و آرامش و خوشبختی مشروط
به یافتن پاسخ این پرسش ها است .

راهها بسیار متعدد و فراوان اند و خداوند یکتاست

"اگر نمی دانی تو به کجا می روی پس هر راهی تو را به آنجا
می برد"

لوئیس کارول
دانشمند ریاضی

در آغاز انسان تلاش می کند تا پرسش های بالا را به دو شیوه پاسخ دهد: نخست شیوه
الحاد و بی دینی ؛ به این معنی که هیچ معبودی نیست و ماده همه چیز هستی است. و شیوه
دیگر، بر این باور است که الله آفریننده همه چیز است، در ذیل این دو پاسخ پرسش های زیادی
 مطرح می شود، از آن جمله:

- آیا ممکن است در ازل این هستی در نتیجه فعل و انفعالاتی که به سبب تصادف حادث
شده اند - بدون محدودیت زمانی - خودبخود بوجود آمده باشد؟
- آیا منطقی است تصادف کورکورانه این عالم منظم را بوجود آورده باشد؟
- آیا آن چه را انسان از آغاز آفرینش تا حال در طول تاریخ بدست آورده، به شکل
تصادف محض و دگرگونی کورکورانه بوده است؟ و ما جز به مانند پری در مسیر باد نیستیم
که کاملاً به شکل تصادفی و بدون هیچ برنامه ای می چرخد؟
- آیا انسان آن معبود قانون گذار و آفریننده ای است که همه کاره بوده و چیزی در ورای
آن نیست؟

خوشبختی در برابر یک عمل است

"گاهی کاری را انجام می دهی اما باعث
خوشبختی تو نمی شود اما خوشبختی
بدون انجام کار، حاصل نمی شود"

بنیامین دیزرائیلی
بنیامین دیزرائیلی

به طور عموم همه مردم در پی رسیدن به خوشبختی
هستند. با وجود اختلاف در مذهب و نژاد، سبک
زندگی و اصول آن، اهداف و مقاصد ، اما همگی در
یک هدف اتفاق نظر دارند ؛ همه آنان در پی خوشبختی
و آرامش هستند.

اگر از هر انسانی بپرسی: چرا چنین، یا چنان می
کنی؟ خواهد گفت: من در پی خوشبختی هستم!! فرقی
نمی کند که این را با همین کلمات یا با همین معنی ابراز
کند یا به مدلول و حقیقت آن.

خوشبختی چیست و چگونه به آن دست می یابیم؟
خوشبختی احساس همیشگی آرامش، سرور،
شادی و شادمانی است. این احساس رضایت بخش
نتیجه سه چیز است: آرامش درون، آسایش در زندگی
و اطمینان به سرانجام نیکو.

سه پرسش اساسی که خوشبختی انسان به دانستن
پاسخ آن وابسته است و آدمی از همان آغاز حیات در

خوشبختی نزدیک ترین چیزی است که می تواند پیش ما باشد

"همانا ما در پی خوشبختی هستیم در حالی
که آن بسیار نزدیک ماست همانسان که
گاهی به دنبال عینک خود می گردیم در
حالی که بر روی چشمانمان است"

تولستوی
نویسنده روسی





نیوتن
فیلسوف انگلیسی

بی دینی نوعی حماقت است

الحاد و بی دینی یک نوع حماقت است، آن گاه که من به منظومه شمسی می نگرم مشاهده می کنم که زمین در مسافتی معین از خورشید قرار دارد بطوری که در این مسافت می تواند مقدار مناسبی از نور و گرما دریافت کند و البته این به صورت تصادفی روی نداده است"

کنند که آنان قادر به زنده کردن کسی که زندگی را وداع گفته و روح از بدنش خارج شده، نیستند. پس ماده، که با تمام توان می خواهند آن را بوجود آورنده هستی قلمداد کنند، کجاست؟ چرا برای برگرداندن روح به بدن بعد از اینکه از تب و تاب افتاد، به آن متوسل نمی شوند؟

چطور امکان دارد تمام بشریت به دینداری و تدین احترام بگذارد، اگر ادعای بی دینان درست بود که دینداری مجموعه ای از توهمات است؟ چرا پیغمبران در طول حیاتشان موفق شدند و پیام آنان در دل مردم زنده باقی ماند؟ در حالی که اندیشه های بشری از یاد می روند و می میرند. بلکه بدتر از آن، با وجود فصاحت و بلاغت در آنان، به مرور زمان خسته کننده و ملالت بار می شوند.

چطور می توان میان نیکوکاران و بدکاران تفاوت قایل شد؟ چه چیز مانع انجام کار بد می گردد؟ چه چیز سبب دلسوزی ثروتمند به فقیر می شود؟ چه چیز مانع سرقت، خیانت، فریب و اعتیاد می شود؟ چه چیز این مردم را از برآورده کردن خواسته هایشان باز می دارد؟

جامعه بی دین به مانند گله گرگ، ستمکار، خودخواه و شهوات طلب است، به همین سبب الحاد و بی دینی از مهمترین اسباب بدبختی، فقر، کینه ورزی و پریشانی بشمار می رود، خدای بلند مرتبه می فرماید: {و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگانی ای تنگ خواهد داشت و روز قیامت او را نابینا برانگیزیم} [سوره طه آیه ۱۲۴]

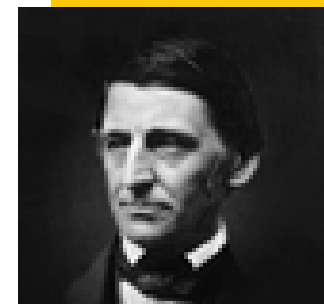
الحاد اندیشه ای باطل است و عقل، منطق و فطرت آن را نمی پذیرد. این باور با علم و دانش سازگار نیست، به همین سبب دانشمندان آن را شدیداً رد کرده اند، همانگونه که منطق نیز نمی تواند با آن موافق باشد، چرا که بر بی منطقی در زندگی پی ریزی شده است و ادعا می کند که



افلاطون
فیلسوف یونانی

زیبایی و نظم

"در زیبایی و نظم یک معجزه است و این امکان ندارد که نتیجه علت هایی اتفاقی باشد، بلکه آن ساخته عاقلی است که قصد خیر داشته و همه چیز را عمداً و با حکمت مرتب کرده است"



مسیر خود را مشخص کن

"همانا دنیا راه را برای کسی که می داند به کجا می رود باز می کند"

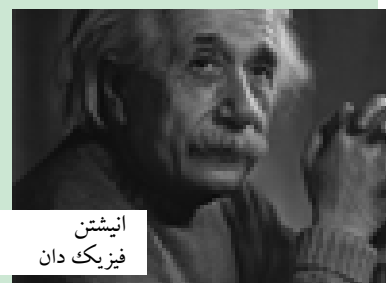
رالف و امرسون
فیلسوف آمریکایی

- آیا ماوراء الطبیعه و امور غیبی سرایی هستند که باید در برابر هجوم موج بی دینی و عالم محسوسات رنگ بازند و محو شوند؟

- آیا انسان موجودی صرفاً مادی و عاری از هر گونه جنبه غیر مادی است که برابر با قانون تکامل؛ اصلتش به میمون بر می گردد و به مرور زمان به این شکل در آمده است؟

- چگونه ماده بی جان می تواند انسان را با این صفات عالی، فضایل ارجمند و ترکیب شگفت انگیز بیافریند؟ چگونه امکان دارد چیزی را به کسی بدهید که هرگز آن را ندارد؟

- آیا فقط هدف انسان دنیاست و آن بالاترین خواسته و آرزوی اوست و هیچ اعتنایی نباید به گفته ادیان الهی نمود که می گویند در این هستی نیروهای دیگری جز انسان و حیاتی دیگر جز این حیات هم وجود دارد؟



اینشتین
فیزیک دان

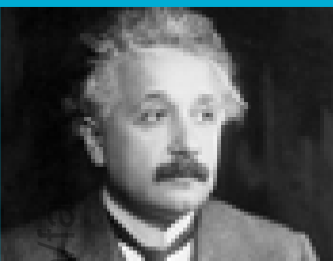
دانش و دین

"من به این باور نیستم که دانش حتماً باید به طور طبیعی با دین در تعارض باشد، در حقیقت من یک رابطه محکم بین آنها می یابم، به همین سبب می گویم که دانش بدون دین لنگ و افلیج و دین بدون دانش کور است، هر دوی آن مهم هستند و بزودی زمانی خواهد رسید که دست بدست هم خواهند داد و گویی کسی که این حقیقت او را خشنود نمی سازد مرده ایی بیش نیست"

خدای بلند مرتبه در باره اندیشه اینان چنین گفته است: {و گفتند: آن [زندگی] جز زندگانی این جهانی ما نیست. می میریم و زنده می شویم و جز زمانه ما را هلاک نمی سازد و آنان به این [امر] هیچ دانشی ندارند.} [سوره جاثیه آیه ۲۴]

و خدای بلند مرتبه در باره کسانی که قرآن را تکذیب و انکار می کنند می فرماید: {و آن[ها] را در حالی که دلهایشان آن[ها] را باور داشته بود، از روی ستم و سرکشی انکار کردند. پس بنگر سرانجام فسادکاران چگونه بود} [سوره نمل آیه ۱۴].

ملحدین به ناتوانی و عجز کامل خود در شناخت راز هستی اعتراف دارند و اقرار می



خوشبختی را هدف قرار بده

اگر خواستی خوشبخت شوی خوشبختی را به یک هدف متصل کن نه به یک شخص یا یک چیز

انیشن
فیزیک دان

حقیقی [هدایت خداست] {سوره آل عمران آیه ۷۳}.
به همین سبب بر انسان لازم است تا به سمت دین حق رفته و آن را بیاموزد. به آن ایمان بیاورد تا سرگشتگی او پایان پذیرفته و تردید و دودلی از او رخت بر بندد و به راه مستقیم، راه آرامش و خوشبختی رهنمون شود.

به چه شکل می توان به این پرسش ها پاسخ داد؟

خدای بلند مرتبه می فرماید: {و به راستی انسان را از چکیده گل آفریدیم (۱۲) سپس او را در قرار گاهی استوار نطفه ای قرار دادیم (۱۳) سپس نطفه را به خون بسته گردانیدیم، آنگاه [آن] خون بسته را [به صورت] گوشت پاره ای در آوردیم. آنگاه [آن] گوشت پاره را استخوان هایی ساختیم. سپس بر آن استخوان ها گوشت پوشانیدیم. آنگاه او را [به] آفرینشی دیگر آفریدیم. بزرگ است خداوند، بهترین آفرینندگان. (۱۴) سپس شما پس از این خواهید مرد (۱۵) آنگاه قطعاً شما روز قیامت بر انگیزخته شوید (۱۶) {سوره مومنون آیه ۱۶-۱۲}

پس سرانجام این گشت و گذار برانگیخته شدن دوباره و بازگشت به سوی باری تعالی است. این آفرینش بیهوده نیست. خدای بلند مرتبه از بیهوده کاری پاک و منزّه است. بلکه در آن حکمتی بس بزرگ است. خدای بلند مرتبه می فرماید: {آیا پنداشتید که ما شما را بیهوده آفریده ایم و شما به سوی ما بازگردانیده نمی شوید؟} {سوره مومنون آیه ۱۱۵}.

خداوند انسان و جن را بیهوده نیافرید. بلکه آنان را آفرید تا فقط او را - بدون هیچ گونه شریکی - عبادت کنند. عبادت و بندگی او مفهومی شامل و فراگیر دارد و با انجام دادن هر آنچه او دوست دارد و به آن خشنود است از فرایض، نماز، ذکر، آبادانی زمین و سود رساندن به مردم محقق می شود. خدای بلند مرتبه می فرماید: {و جن و انس را جز برای آنکه مرا بندگی کنند نیافریده ام} {سوره ذاریات آیه ۵۶}

تمام این هستی بی نظیر، نتیجه یک تصادف بوده است، فطرت نیز با این اندیشه نمی خواند فطرت - حتی در نزد بی دینان - به تدین فرا می خواند: {و آن[ها] را در حالی که دلهایشان آن[ها] را باور داشته بود، از روی ستم و سرکشی انکار کردند. پس بنگر سرانجام فسادکاران چگونه بود} {سوره نمل آیه ۱۴}.

تا هنوز به این پرسش ها دقیقاً پاسخ داده نشده است

انسان بیهوده سعی می کند تا پاسخ این پرسش ها را بدون یاری و کمک از بیرون خود بیابد، دانش جدید نتوانسته به هیچ کدام از این پرسش ها پاسخ بدهد. زیرا این امور در دایره مباحث دینی قرار می گیرند و به همین سبب تحلیل پیرامون پاسخ به این پرسش ها یکسان نیست و در این زمینه خرافات و افسانه های زیادی بوجود آمده که باعث افزایش سرگردانی و پریشانی آدمی گشته است.

آدمی نمی تواند به پاسخ شفاف و دقیق این پرسش ها دست یابد مگر اینکه خداوند او را به راه راست هدایت کند. راهی که از آن به ساحل امنیت، آرامش، خوشبختی و راحتی دست می یابد.

فقط ادیان به چنین مباحثی می پردازند، زیرا این مباحث از جمله قضایای غیبی به شمار می آیند و پاسخ درست و سخن راست نشانه درستی و حقانیت یک دین بشمار می رود. زیرا فقط خداوند می تواند پاسخ درست را به بشر بدهد و آن را به پیامبرانش وحی نموده است؛ خدای بلند مرتبه می فرماید: {بگو: هدایت خداست که هدایت [واقعی] است} {سوره بقره آیه ۱۲۰}

و خدای بلند مرتبه می فرماید: {بگو هدایت }



خوشبختی حقیقی

"هم اکنون من در دنیای واقعی زندگی می کنم و مانند آن شخصیت فریبکار که در جهان معاصر داریم نیستم؛ شخصیتی مادیگرا و مصرف کننده صرف که در پی جنس مخالف و مواد مخدر است، با این گمان که این اینها ما را خوشبخت می سازند، اما من الان جهانی را پر از خوشبختی و مملو از عشق و دوستی و امید و صلح دیدم"

لورین بوث
حقوقدان بریتانیایی



قرار داده - در حالی که او از این بی نیاز است- و خود را با صفات کمال توصیف کرده است. وحی آسمانی بر وجود او و ربوبیت و الوهیت او دلالت نموده و عقل و فطرت آن را پذیرفته و اجماع تمام ملت ها بر ضرورت آن صورت گرفته است

پاسخ قانع کننده

"تاریخ دین به طور عموم و تاریخ توحید به طور ویژه برای ما آشکار می کند که تنها ایمان به الله پاسخ قانع کننده برای هر پرسش در باره اصل هستی و انسانیت و هدف از وجود آنها است: امکان ندارد که برای حیات آدمی هدفی غیر از خدای یکتا قرار داد. و اصل هر نوع تدین به ایمان به خدای یکتا بر می گردد- فرقی نمی کند این موضوع همراه با آگاهی باشد یا بدون آگاهی-"



کاردینال کوینچ
رئیس کشیشان اتریش

همه آدمیان به سوی او باز می گردند و سرانجام همگی به سوی اوست، خدای بلند مرتبه می فرماید: { و بازگشت به سوی خداست } [سوره آل عمران آیه ۲۸]
این یقین، بیهودگی را از زندگی می زداید و به حیات آنان معنی می دهد و خوشی و راحتی را به قلوب آنان وارد می کند؛ خدای بلند مرتبه می فرماید: { آیا بی آفریدگار آفریده شده اند، یا اینکه خود آفرینندگانند؟ (۳۵) آیا آسمانها و زمین را آفریده اند؟ [نه] بلکه آنان یقین نمی کنند (۳۶) } [سوره طور آیه ۳۵-۳۶]



دیکارت
فیلسوف فرانسوی

آفریننده هر چیز

"من وجود دارم چه کسی مرا بوجود آورده و چه کسی مرا آفریده است؟ من خودم را نیافریده ام؛ پس باید آفریننده ای داشته باشم و این آفریننده باید واجب الوجود باشد و در بوجود آمدن و بقایش به کسی نیاز نداشته باشد و به تمام صفات جمال مزین باشد و این آفریننده الله است آفریننده هر چیز"

آنگاه که آدمی از شناخت راز این هستی ناتوان گشت و شروع به تفکر در آفرینش خداوند در زمین، ستارگان و دیگر سیارگان نمود و به حرکت شب و روز و زندگی و مرگ توجه کرد و به دیگر آفریدگان خداوند دقت کرد... آن گاه که انسان ژرف تر در این هستی تفکر نمود به فطرتش به این باور می رسد که این هستی را بوجود آورنده ای بسیار تواناست که از او بسیار توانمندتر است و سزاوار است که در برابر او کرنش کرده و مطیع و بنده او گردد و و به پاداش او امیدوار و از مجازات و کیفر او بترسد، تفکر در هر یک از آیات فوق فرد را به آن می رساند که به آفریننده بزرگ و توانا و حکیم اعتراف کند و به این نتیجه برسد که ماده فقط یکی از مخلوقات خداوند است که آن را بوجود آورده و پیش از آن نبوده است.

این پروردگار معبود و تواناست که خود را به بندگانش معرفی و آیات موجود در هستی را دلیل و گواه بر خود



این دلایل عبارتند از:

۱- هستی هدف دار خداوند و آفرینش

شگفت انگیز او

- آیا این هستی اعجاب انگیز و باشکوه و آنچه از سیارگان و ستارگان در آن است، را مشاهده نمی کنی؟

- آیا شده روزی در باره آفرینش آسمانها و آنچه در آنها از ستارگان و کهکشان ها وجود دارد، تفکر کنی؟

- آیا در باره زمین و آنچه در آن هست از رودها، دریاها، دشت ها و کوهها اندیشیده ای؟

- آیا این نظم و آرایش بسیار محکم و شگفت انگیز تو را دچار حیرت و شگفتی ننموده است؟

به نظر تو این هستی را چه کسی آفریده و این چنین آن را آراسته و قوانین آن را محکم نموده است؟ بطوری که به شکل یک معجزه نمودار شده و پدیده ای خارق العاده و بی مانند گشته است.

به نظر تو آیا خودش خود را آفریده؟ یا اینکه این هستی دارای خالق توانا است؟

خداوند بلند مرتبه می فرماید: { به راستی در آفرینش آسمانها و زمین و آمد و شد شب و روز برای خردمندان نشانه هاست (۱۹۰) آنان که خدا را ایستاده و نشسته و بر پهلوی خویش [آرمیده] یاد می کنند و در آفرینش آسمانها و زمین اندیشه می کنند. [و می گویند] پروردگارا این را باطل نیافریده ای، پاکی برای توست، پس ما را از عذاب آتش [جهنم] حفظ کن (۱۹۱) } [سوره آل عمران آیات ۱۹۱-۱۹۰]

آیا هرگز به ذهنت خطور کرده که چه کسی تو را آفریده است؟ خداوند بلند مرتبه می فرماید: { و نیز در وجودتان [نشانه هایی است] آیا نمی نگرید؟ [سوره ذاریات آیه ۲۱]

آدمی چگونه آفریده شده است؟ خداوند بلند مرتبه می فرماید: { آیا بی آفریدگار آفریده شده اند یا اینکه خود آفرینندگانند (۳۵) آیا آسمانها و زمین را آفریده اند؟ [نه] بلکه آنان یقین



الله حق است

"وقتی عمیقاً فکر کنی:
همانا دانش تو را به سوی
اعتقاد به الله می کشاند."

لورد کیلفی

فیزیک دان اسکاتلندی

نمی کنند (۳۶) { [سوره طور آیات ۳۶-۳۵]

اگر آنان از عدم و نیستی آفریده نشده اند، پس هیچ شک و تردیدی در وجود یک آفریننده برای تمام این هستی باقی نمی ماند. آن آفریننده، الله سبحانه و تعالی است. وضع و حال منکرین بسیار عجیب و شگفت انگیز است که بعد از این همه دلایل و نشانه ها ذات الله را انکار می کنند!!

۲- فطرت:

مخلوقات بدون شک بر اعتراف بر خالق هستی آفریده شده اند، همانگونه که بر دوست داشتن خوبی و کراهیت شر و بدی خلق شده اند، اقرار به وجود خالق از عمیق ترین و باثبات ترین قضایا در فطرت است به طوری که با وجود آن نیازی به اقامه دلیل و برهان نیست، خدای بلند مرتبه می فرماید: { پس روی [دل]ات را با حق گرایی تمام به سوی این دین بگردان. از فطرت الهی که مردم را بر اساس آن پدیدآورده است [پیروی کن]. آفرینش خداوند دگرگونی نمی پذیرد. دین استوار این

است ولی بیشتر مردم نمی دانند { [سوره روم آیه ۳۰]

و پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: "هیچ نوزادی نیست مگر اینکه بر اساس فطرت متولد می شود" (متفق علیه).

احساس و آگاهی فطرت

"پروردگاری که ما به وجود او اقرار می کنیم با دنیای مادیات نسبتی ندارد. و حواس محدود ما نمی توانند او را دریابند، به همین سبب تلاش ما برای اثبات او از طریق علوم طبیعی بیهوده است، چرا که او محدوده ای غیر از دایره فهم و ادراک کوتاه ما را در بر گرفته است، ایمان به وجود خدا از جمله امور خاصی است که در شعور و ضمیر آدمی ایجاد می شود و در دایره مهارت و آگاهی فردی رشد می کند"

روبرت موریس بیچ
طبیعت شناس



۳- اجماع تمام ملت ها:

ملت ها از آغاز بر این اتفاق دارند که این هستی را به الله تعالی نسبت بدهند. پس یک اتفاق و اجماع قوی بر این بوجود آمده که الله سبحانه و تعالی آفریننده بدون شریک و همتای این هستی است. هیچ ملتی نبوده که به آفرینندگی الله تعالی برای آسمان و زمین و رازق بودن او معترف نباشد. آن گاه که در این باره مورد پرسش قرار می گرفتند - با وجود اینکه به خدا شرک می ورزیدند- به خالقیت و رازقیت او اقرار می کردند. خدای بلند مرتبه می فرماید: { و اگر از آنان بپرسی چه کسی آسمانها و زمین را آفریده و خورشید و ماه را رام کرده است، البته گویند: خداوند. پس از چه جهت [از راه حق] آگردانده می شوند؟ (۶۱) خداوند روزی را برای هر کس از بندگان که بخواهد، فراخ می گرداند و برای هر کس که بخواهد تنگ می دارد. خداوند به همه چیز داناست (۶۲) و اگر از آنان بپرسی چه کسی از آسمان آبی را نازل کرد، آنگاه از آن زمین را پس از پژمردنش زنده [و سرسبز] ساخت، البته گویند: خداوند. بگو: ستایش خداوند راست. بلکه

بیشتر آنان خرد نمی ورزند (۶۳) { [سوره عنکبوت آیات ۶۳-۶۱]

و همچنین می فرماید: { و اگر از آنان بپرسی چه کسی آسمانها و زمین را آفریده است؟ به یقین گویند: [خداوند] پیروزمند دانا آنها را آفریده است { [سوره زخرف آیه ۹]

و پدیده الحاد و انکار ذات الله تعالی بسیار نادر بود که صاحبان آن از کاروان عقلا عقب مانده بودند و شکست و بی بار بودن این اندیشه در سرزمین واقعیت آشکار شده بود.

۴- ضرورت عقلی:

علاوه بر تمام آن دلایل و شواهدی که برای اثبات ذات باری تعالی و ربوبیت او گفته شد، همانا عقل از بزرگترین گواهان و دلایل بر آن است. چرا که این پدیده شگفت و باثبات و محکم

ایمان به خدا فطری است

"عقل های نواخته به طور طبیعی مال بچه هاست که آنها را و می دارد تا به سوی ایمان به آفریننده و معبود گرایش یابند، بجای تکامل که برای عقل بشری غیر طبیعی است و پذیرش و فراگیری آن سخت است"

جاستن باریت

پژوهشگر علوم انسانی در دانشگاه اکسفورد

نمی تواند خود را بیافریند و آن مخلوقی آفریده شده است- بدون هیچ گونه شک و تردید- و هر مخلوقی نیاز به خالق و آفریننده دارد. در این جا پرسش دیگری مطرح می شود و آن اینکه: تو چقدر دچار سخیها، مشکلات و ناراحتی ها شده ای؟ در آن حال به چه کسی پناه برده ای؟ پیش چه کسی التماس کرده ای؟ و از چه کسی انتظار داشته ای تا این مشکلات و مصیبت های تو را بر طرف سازد؟ خدای بلند مرتبه می فرماید: {و چون به انسان گزندی برسد، پروردگارش را-انابت کنان به پیشگاه او- به [دعا] می خواند، آنگاه چون از سوی خود نعمتی به او ببخشد. آنچه را که از پیش برای آن دعا می کرد، فراموش می کند و برای خداوند همتیانی قرار می دهد. تا [مردم را] از راه او گمراه سازد. بگو: اندکی در کفر خود [از زندگی دنیا] بهر مند شو. بی گمان تو از دوزخیانی { [سوره زمر آیه ۸]

و خدای بلند مرتبه می فرماید: {اوست کسی که شما را در خشکی و دریا سیر می دهد. تا آنگاه که در کشتی ها قرار گیرد و [کشتی ها] با بادی خوش آنان را به پیش برند و [آنان] به ان شادمان گردند [سپس] تند بادی به ان در رسد و از هر سو موج [به سوی] آنان آید و آنان بدانند که از [هر سو] گرفتار شده اند.

[آن هنگام] خداوند را در حالی که دین [خود] را برای او خالص گردانده اند [به دعا] خوانند [که]: اگر ما را از این [مهلکه] نجات دهی

عقل باش

"آیا آدم عاقلی تصور می کند که ماده بی عقل و بی حکمت خودش خودش را به شکل تصادفی بیافریند؟"

جان کلیفلاند کوثران

استاد علوم طبیعی در دانشگاه دولت

پاک [ومنز] است (۹۱) داننده پنهان و پیدا،
که از آنچه شرک می‌آورند برتر است (۹۲) {
[سوره مومنون آیه ۹۲-۹۱]}

دلایل الوهیت پروردگار عز و جل:

آن گاه که فطرت سلیم و عقل درست
بر این اقرار پابرجا ماند که این هستی را
پروردگاری است و این مخلوقات آفریننده
ای دارند و بر خالقیت او اتفاق و بر یکتا بودن
او در ربوبیت اقرار نمودند پس آشکارا اظهار
داشتند که او در الوهیت یکتا بوده و او را
در آن هیچ گونه شریک و همتایی نیست و
دلایل این بسیار روشن و واضح هستند. از آن
جمله:

۱- چگونه ممکن است این هستی دو اله
و معبود داشته باشد؟

عقل راهی جز اعتراف به یک اله ندارد
اگر - برای مثال - در این هستی دو اله می
بود، این پرسش مطرح می‌شد: وقتی که آن
دو با هم اختلاف پیدا کنند و هر یک از آن
دو بخواهد تا خواست و مشیئت خود را اجرا
کند، چه خواهد شد؟ آن گاه که یکی از آن
دو انجام دادن کاری را بخواهد که با خواست
دیگری در تضاد باشد، بدون تردید یکی بر
دیگری چیره خواهد شد و آن دیگری ناتوان
و عاجز باقی می‌ماند. آیا ناتوان و عاجز می
تواند اله و معبود باشد؟! خدای بلند مرتبه می
فرماید: {خداوند هیچ فرزندی برنگرفته است
و هیچ معبود [دیگری] با او نیست. [اگر باشد]
آن گاه هر معبودی آنچه را که آفریده بود،
می‌برد و قطعا برخی بر برخی [دیگر] چیره
می‌شدند. خداوند از آنچه وصف می‌کنند

قطعا از سپاس گزاران خواهیم بود (۲۲) پس چون
نجاتشان دهد آنگاه است که آنان در زمین به ناحق ستم
می‌کنند. ای مردم، ستمتان تنها به زیان خودتان است.
بهره زندگی دنیا [را به دست می‌آورید] آنگاه باز گشت
شما به سوی ماست، سپس شما را از [حقیقت] آنچه می
کردید خبر می‌دهیم. (۲۳) [سوره یونس آیه ۲۳-۲۲]

و آن گویند ارجمند چنین می‌فرماید: { و چون
موجی سایه‌بان وار آنان را فرو گیرد خداوند را -
در حالی که عبادت را برای او خالص گردانده‌اند -
می‌خوانند. پس چون آنان را با رساندن به خشکی
رهایی بخشد، آن گاه [برخی] از آنان میانه‌رو است. و
هیچ کس جز غدار ناسپاس آیات ما را انکار نمی‌کند {
[سوره ی لقمان آیه ی ۳۲]}



فلسفه و دین

"دانش کم از فلسفه انسان را به الحاد
می‌کشاند اما عمیق شدن در فلسفه او
را به سوی دین می‌برد"

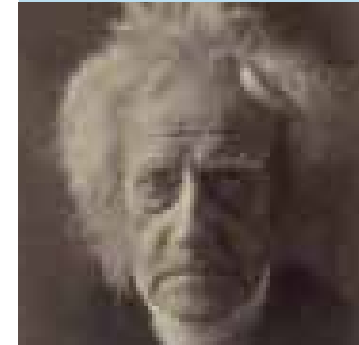
فرانس بیکن
فیلسوف انگلیسی



هیچ معبودی جز الله نیست

پروردگار، پادشاه اسرائیل و رهبر آن و صاحب
سربازان چنین می‌گوید: من نخستین ام و من
آخرین ام و هیچ معبودی جز من نیست" سفر
اشعیاء (اش ۴۴:۶)

عهد قدیم (تورات)



هرشل
فیلسوف و ستاره شناس انگلیسی

یکتایی الله

"تا چهارچوب دانش گسترده تر می شود دلایل وجود حکمت آفریننده قادر مطلق بیشتر محقق می شود. دانشمندان ریاضی دان، ستاره شناس، طبیعی دان و زمین شناس با کوشش ها و اکتشافات خود هر آنچه را که برای ساختن معبد دانش نیاز است آماده می کنند تا نام آفریننده را برافرازند."

۲- بسیار عجیب است که کسی شخصی را پرستد که ناتوان و ضعیف باشد و او را در آسمان ها و زمین سیطره و قدرتی نبوده و آفریننده چیزی نباشد و برای خود - دیگران که جای خود دارد- صاحب سود و زیان یا مرگ و زندگی و برانگیختنی نباشد خدای بلند مرتبه می فرماید: {خجسته است کسی که «فرقان» را بربنده اش نازل کرد تا برای جهانیان هشدار دهنده باشد (۱) کسی که فرمانروایی آسمانها و زمین از آن اوست و هیچ فرزندی نگرفته و او در فرمانروایی شریکی ندارد و همه چیز را آفریده است، آن گاه چنان که می باید آنها را به اندازه مقرر کرده است (۲) و به جای او معبودانی گرفتند که چیزی نمی آفرینند و خود آفریده شده اند و برای خود اختیار زبانی و سودی ندارند و اختیار مرگ و زندگانی و برانگیختن ندارند (۳) } [سوره فرقان آیه ۳-۱]

اما اگر قضیه همانگونه باشد که مشرکان می گویند: یعنی به همراه الله تعالی معبود و اله دیگری هست که او عبادت می شود تا به خداوند نزدیک شوی و او شفاعت کننده در نزد آن معبود برتر باشد. پس آن معبودان او را می پرستند و به او تقرب می جویند و برای نزدیکی به او در پی یافتن وسیله ای هستند تا بیشتر به او نزدیک شوند. خدای بلند مرتبه می فرماید: {بگو: اگر با او معبودانی [دیگر] بودند، چنان که [خود] می گویند، آن گاه [هر یک] سوی صاحب عرش راهی [برای مقابله و مبارزه] می جستند (۴۲) او پاک است و بسیار والاتر است از آنچه می گویند (۴۳) } [سوره اسراء آیات ۴۳-۴۲]

بلکه او اله و معبود بی نیاز است. آن که نه زاده شده و نه زاده است. و او را هیچ همتایی نیست.

این معبودان مالک هیچ چیزی نیستند و به انجام هیچ کاری توانایی ندارند. خدای بلند مرتبه می فرماید: {بگو: آنان را

که به جای خداوند می پندارید [به فریاد] بخوانید. هموزن ذره ای در آسمان ها و در زمین اختیار ندارند و در [تدبیر] آنها هیچ شرکتی ندارند و او (خداوند) از آنان پشتیبانی ندارد. (۲۲) و شفاعت به نزد او سود نبخشد مگر برای کسی که برایشا اجازه داده باشد. تا وقتی که نگرانی را از دلهایشان دور سازند، گویند: پروردگارتان چه گفت! گویند: حق. و او بلند مرتبه بزرگ است (۲۳) } [سوره سباء آیات ۲۳-۲۲]

یعنی: بگو به کسانی که به خداوند شریک دیگری از مخلوقات می گیرند کسانی که هیچ سود و زبانی نمی رسانند تا به ناتوانی آن مخلوقات اعتراف کنند و باطل بودن پرستش آنان را برای آنان آشکار کن: کسانی را که شما به عنوان شریک خداوند می خوانید فرا بخوانید، اگر فرا خواندن شما سودی می رساند. چرا که اسباب ناتوانی در آنها گرد آمده است و آنان به هیچ عنوان توان پاسخ دادن به شما را ندارند. آنان صاحب هیچ سیطره و قدرتی بر هیچ زمینی نیستند. آنان نه مستقل اند و نه به اندازه ذره ای در مالکیت آسمانها و زمین شریک اند آن معبودانی که شما ادعا می کنید، در زمین و آسمان ها صاحب هیچ گونه شرکتی نیستند، فقط این مانده که ادعا کنند آن ها یاران و کمک کنندگان آن مالک اصلی یا وزیران اویند. پس دعا و خواندن آنان - به سبب نیاز آن پادشاه واقعی به آنان- سودمند است. آنان نیازهای کسانی را که به آنان توسل می جویند برطرف می کنند. که خدای بلند مرتبه وجود چنین پست و مقامی را نفی می کند و می فرماید: {او نیست او را} یعنی: برای الله تعالی آن پروردگار یکتای چیره دست {از آنان} یعنی: از این معبودان {هیچ یاور و مددکاری}

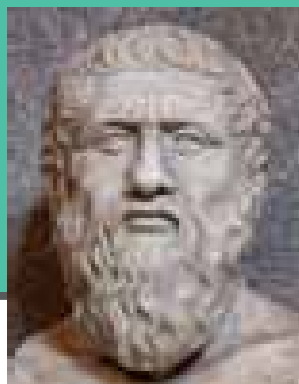
یعنی: معاون و وزیر می که او را در پادشاهی و تدبیر یاری و کمک کند.

۳- دقت در این هستی به ما ثابت می کند که تمام این هستی دارای یک نظم شگفت انگیز و بی همتاست و این بزرگترین دلیل بر آن است که تدبیر کننده آن یک خدای یکتای دانا و تواناست. خدای بلند مرتبه می فرماید: {و معبودتان، معبودی گانه است. معبود [راستینی] جز او نیست. بخشاینده مهربان است (۱۶۳) به راستی در آفرینش آسمانها و زمین و [در پی یکدیگر] آمد و رفت شب و روز و در کشتی ای که در دریا برای بهره وری مردم، روان است و در آنکه خداوند از آسمان آب باراند، آن گاه زمین را پس از پژمردنش با آن زندگی بخشید و در آن از هر جنبه ای پراکند و در گرداندن بادها و ابر مسخر بین آسمان و زمین برای گروهی که خرد می ورزند، نشانه هایی است (۱۶۴) } [سوره بقره آیات ۱۶۴-۱۶۳]

آیا این نظم و ترتیب بسیار محکم نیست که در تمام طول آفرینش جریان داشته و برای لحظه ای متوقف نمی شود. اگر چنین نبود تمام هستی نابود می گردید و بر این کار کسی جز الله قادر نیست. آیا آفریننده این شگفتی مبهوت کننده، پروردگار یکتای بی همتا نیست؟ آیا این دلیلی واضح و محکم

هدف برتر

این جهان به این شکلی که ما مشاهده می کنیم جایی برای تصادف نگذاشته است و هر جز و قسمت آن به سمت یک هدف در جریان است و آن هدف به سمت یک هدف برتر در حرکت است و این چنین رسیدن به آن هدف نهایی بی نظیر و بی همتا محقق می شود.



افلاطون
فیلسوف یونانی

۴- پیغمبران و رسولان؛ از آدم تا نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد- که درود و سلام الله بر همگی آنان باد- بر یکتایی الله عز و جل و اینکه جز او معبودی نیست، اتفاق نظر دارند- و شخصیت پاک و برتری تعقل و درستی قول و امانتداری و راه یافتگی همگی آنان از بدیهیات پذیرفته شده است- خدای بلند مرتبه می فرماید: {و هیچ رسولی را پیش از تو نفرستادیم مگر آنکه به او وحی می کردیم که معبود [راستینی] جز من نیست، پس مرا پرستید} [سوره انبیاء آیه ۲۵] و پروردگار که مدح و ثناء او بسیار ارجمند است در باره نوح می فرماید: {نوح را به سوی قومش فرستادیم، پس گفت: ای قوم من، خدا را پرستید. جز او هیچ معبود [راستینی] ندارید. به راستی من بر شما از عذاب روزی بزرگ بیمناکم} [سوره اعراف آیه ۵۹]

و پروردگار پاک و منزّه در باره عیسی علیه السلام چنین می گوید: {به راستی کسانی که گفتند: «خداوند همان مسیح فرزند مریم است» کافر شدند. حال آنکه [خود] مسیح گفته بود: ای بنی اسرائیل، خدا را که پروردگار من و پروردگار شماست، پرستید. بی گمان کسی که به خداوند شرک آورد، خداوند بهشت را بر او حرام می گرداند و جایگاهش آتش [دوزخ] است. و ستمکاران یاورانی ندارند} [سوره مائده آیه ۷۲]

و خدای سبحان به محمد صلی الله و علیه و سلم امر نمود تا به قومش بگوید: {بگو: جز این است که به من وحی می شود که معبودتان معبود یگانه است. پس آیا گردن می نهید!} [سوره انبیاء آیه ۱۰۸]

پس برای صاحبان عقول برتر شایسته است که از پیغمبرانشان پیروی کنند و خدا را به یکتایی خوانده و به خالقیت و معبود بودن او ایمان بیاورند، تا به سعادت دنیا و آخرت دست یابند. خدای بلند مرتبه می فرماید: {هر کس در حالی که مؤمن است کار شایسته انجام دهد، مرد باشد یا زن، او را به زندگانی ای پاک زنده می داریم و پاداششان

نیست که وجود دو اله برای هر کسی که فکر می کند و عقل دارد، محال است؟ خدای بلند مرتبه می فرماید: {اگر در آن دو معبودانی جز خداوند بودند تباه می شدند. پس خداوند، پروردگار عرش، پاک و فراتر است از آنچه بیان می کنند} [سوره انبیاء آیه ۲۲]. یعنی: اگر در آسمان ها و زمین معبودی جز الله بود نظام همگی به هم می خورد و نابود می شدند و به همراه آنان همگی مخلوقات از بین می رفتند. هستی همانطور که مشاهده می شود در بالاترین نظم و ترتیب و شایستگی است و در آن هیچ گونه عیب، خلل، درگیری و تضادی نیست و این دلیل بر آن است که مدبر، خالق و اله آن یکتاست. اگر آن دو مدبر و خالق داشت نظام آن بهم می ریخت و اعضای آن از هم می گسیخت. چرا که دو خالق با هم در تعارض قرار گیرند و یکی از آن دو قصد آفرینش چیزی را بکند و دیگری مخالف او باشد، مراد و هدف هر دو محقق نخواهد شد. چرا که آن محال است و اگر مراد و هدف یکی محقق شد این نشانه ناتوانی و عجز دیگری است و توافق آن دو در تمام امور و قضایا هم غیر ممکن است. پس می ماند اینکه آن شخص چیره دست و غالب که هدف و مراد او بدون هیچ گونه مانع و مزاحمی محقق می شود. او خدای یکتای چیره دست است.





پروردگار یکتاست

"پروردگار همان معبود است و جز او معبودی نیست" (سفر تثنيه ۴:۳۵). "پروردگار من هستم و کس دیگری نیست و معبودی جز من نیست" (اشعيا ۴۵:۱۵)

عهد قدیم (تورات)

را به [حسب] نیکوترین آنچه می کردند، به آنان می دهیم {
[سوره نحل آیه ۹۷]}

پاداش کار شایسته به همراه ایمان، زندگی پاک و طیب در این زمین است. البته ضروری نیست که حتما در رفاه و آسایش و ثروت باشد. می تواند چنین باشد و گاهی بدون مال و ثروت فراوان نیز صورت می گیرد. در زندگی چیزهای فراوانی غیر از ثروت وجود دارد که زندگی با آنها گوارا می شود. از آن جمله: ارتباط با خداوند و اعتماد به او، اطمینان به حفظ و رعایت و خشنودی او در این زندگی؛ سلامتی و آرامش و خشنودی و برکت و راحتی خانه و دوستی دلها با هم و شادی به عمل صالح، که نشانه های آن در ضمیر و زندگی شخص نمایان می گردد و مال فقط یک عنصر از عناصر سرافرازی و شکوه و آراستگی در دنیاست: {مال و فرزندان زینت زندگانی دنیاست. و [نیکی های] ماندگار شایسته به نزد پروردگار نیک پاداش تر و امید بخش تر است { [سوره کهف آیه ۴۶]}

معبود یکی است

"برای پروردگار همان معبود، سر به زمین فرود می آور و فقط او را پرست" (متی ۴:۱۰). و این همان زندگی جاویدان است که تو را بشناسند. تو فقط معبود حقیقی هستی و عیسی مسیح را تو فرستاده ای" (یوحنا ۳:۱۷).

عهد جدید (انجیل)

آن گاه که قلب به آنچه بزرگتر و پاک تر و پابرجاتر در نزد خداست، متصل می شود، برای زندگی پاک و خوشبختی و سعادت معنی دیگری هویدا می شود. اگر انسان جز روی گردانی و اعراض چیز دیگری را نپذیرد، او برای خود، بدبختی، بینوایی، هلاکت و سرگردانی پایان ناپذیر را رضایت داده و در غم و غصه ی بی انتها فرو رفته است. آن چنان نگرانی و تشویشی که قلب او را پاره پاره کرده و او برای همیشه سرگشته و حیران برجای می ماند. خدای پاک و منزّه می فرماید: {پس هر کس را که خداوند بخواهد هدایتش کند دلش را برای [پذیرش] اسلام می گشاید. و هر کس را که بخواهد در بیراهی واگذارد، دلش را سخت تنگ کند که گویی در آسمان بالا می رود. {
[سوره انعام آیه ۱۲۵]}

راهنمای خوشبختی

"من پیش از این معنی سعادت را نمی دانستم از وقتی خواندن قران را آغاز کردم با تعجب از خود می پرسم: چرا مردم در مسیری بدور از هدایت در این دنیا حرکت می کنند در حالی که راهنما پیش روی آنهاست و روشنایی در جلوی آنان است؟"

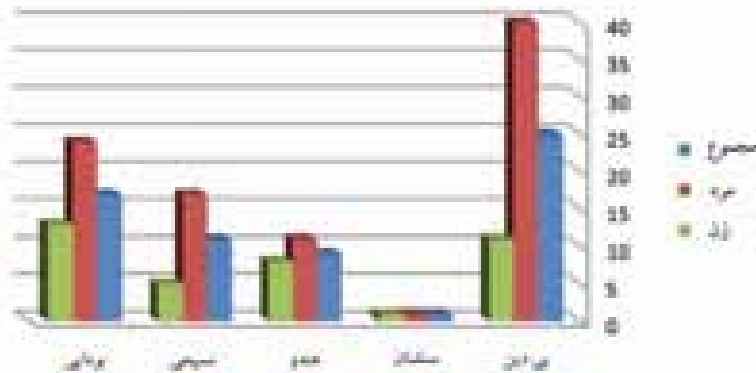
کات ستیفنس
خواننده انگلیسی



خودکشی و دین

دو کارشناس در سازمان سلامت جهانی (who) دکتر جوس مانویل و پژوهشگر الیساندرا فلیشمان تحقیقی در باره رابطه دین و خودکشی انجام دادند و نتیجه آن یکی از مراجع مهم و قابل اعتماد در سازمان ملل گشت

نسبت خودکشی در ایران مختلف (برای هر صد هزار نفر)



آن که پروردگار را به یکتایی شناخت و به این باور رسید که او را هیچ شریکی نیست، شرح صدر و گشادگی سینه، آرامش خاطر و آسودگی نصیب او می شود و هر کس که گمراه شد دل او پر از تشویش، نگرانی و درد و غصه خواهد شد. پناه بر خدا! و این مثال کسی است که ایمان بیاورد و یکتایی خداوند را بپذیرد و کسی که شرک بورزد و گمراهی اختیار کند؛ خداوند مثالی دیگر بیان می کند و می فرماید: {خداوند مثلی می زند از برده ای که در [بردگی] او شریکان مختلف سهم دارند. و برده ای که تنها برای یک شخص باشد. آیا [این دو] در وصف برابرند! ستایش خدای راست. بلکه بیشتر آنان نمی دانند} [سوره زمر آیه ۲۲]

مشرک مانند برده ای است که چندین مالک دارد و همگی دارای اخلاق تند و خشن و بسیار خشک مزاج اند و آنها بر سر او در نزاع و اختلاف هستند. یکی به او می گوید بیا و دیگری می گوید بنشین و سومی می گوید برخیز و او حیران و سرگردان است و نمی داند چکار کند. نه راحتی و آسایش خاطر دارد و نه راحتی جسم. یکتا پرست چون کسی است که فقط یک ارباب دارد و فقط یک نفر به او امر و نهی می کند. آیا این دو نفر یکسان هستند؟ سپاس و ستایش زیبا خدا را و شکر فراوان او را که پاک و منزّه است. او پروردگار یکتا و معبود یگانه است و هیچ معبود راستینی جز او و خالقی غیر از او نیست. اما کسانی که نمی دانند، برای همیشه در درون خود درگیرند و همیشه نگران و مشوش اند و اندوه و اضطراب و سردرگمی در زندگی آنان غالب است تا به مرگ و یا خودکشی منتهی شود.